



ناهماهنگی میان انتظارات و واقعیت‌های زندگی به ناکامی می‌انجامد

اگر انسان، خود را در این دنیا ناآشنا و رهگذری بداند که لحظاتی را در آن سپری می‌کند، سختی‌های آن را آزار دهنده نمی‌بیند.

اگر انسان، خود را در این دنیا ناآشنا و رهگذری بداند که لحظاتی را در آن سپری می‌کند، سختی‌های آن را آزار دهنده نمی‌بیند.

خواسته‌های بشر، بر محور دوست داشتن می‌چرخد و آنچه «دوست داشتنی» است، خواسته بشر می‌گردد. این، یک اصل است. افراد در این که چه چیزی را دوست دارند، متفاوت‌اند؛ اما در این که آنچه را دوست دارند، می‌خواهند، یکسان‌اند. وقتی چیزی دوست داشتنی بود و خواسته بشر شد، انتظار انسان این است که محقق شود؛ اما بنابر قانون اقتضات دنیا، برخی امور، «ممکن»‌اند و برخی «ناممکن». بنابراین، ما هر چیزی را می‌توانیم دوست داشته باشیم و آرزو کنیم؛ اما آیا هر چیزی، امکان وقوع هم دارد؟ آیا هر آنچه دوست داشتنی است، واقع شدنی هم هست؟

به نظر می‌رسد در این فرایند، جای دو چیز، با هم عوض شده است: «دوست داشتنی‌های ما» و «ممکنات زندگی». ما انتظار داریم هر چه را دوست داریم، واقع شود؛ یعنی رتبه وقوع، پس از علایق ما باشد؛ اما واقعیت این است که ما باید آنچه را ممکن است و با اقتضات زندگی هماهنگ است، بخواهیم. این، راه واقعی کردن انتظارات است. بنابراین، ما باید آنچه را ممکن است، بخواهیم و اگر آنچه را خواستیم نشد، دلگیر و مأیوس نشویم. امام علی (علیه السلام) در این باره می‌فرماید: «هرگاه آنچه را خواستی نشد، آنچه را که هست، سخت بگیر و اهمیت نده که چگونه هستی.» اگر انسان را موجودی بدانیم که دنیا، انتهای زندگی او باشد و بشر، ظرف دیگری برای زندگی نداشته باشد و اگر دنیا را جایگاهی بدانیم که برای خود اصالت دارد و کمالش در فراهم بودن نعمت‌هایش باشد، در آن صورت، کاستی‌ها و فقدان‌هایش بسیار دردناک و غیر قابل تحمل می‌شوند و برخورداری‌هایش بسیار با اهمیت و سرمست‌کننده خواهند شد؛ اما آیا تصور ما با واقعیت هماهنگ است؟

واقعیت این است که نه دنیا همه هستی است و نه حیات انسان، محدود به این دنیاست. دنیا، نه تنها قطعه‌ای از حیات و بلکه مقدمه و زمینه‌ساز حیات اصیل و پایدار بشر است و انسان، نه تنها محدود به این دنیا نیست، بلکه دنیا و زندگی دنیوی او مزرعه آخرت است. پس دنیا و زندگی دنیوی انسان، اصالت ندارد و همه چیز انسان در آن، تعریف و معنا نمی‌شود. ما این‌جا به دنیا می‌آییم؛ اما برای دنیا آفریده نشده‌ایم. امام علی (علیه السلام) در این باره می‌فرماید: «در دنیا حیات یافتید و برای آخرت، آفریده شدید.» دنیا نیز همه چیز هستی نیست و این‌جا همه حیات انسان نیست. امام علی (علیه السلام) در این باره می‌فرماید: «دنیا برای غیر آن آفریده شده، و برای خودش آفریده نشده است.» پیامبر (صلی الله علیه و اله) نیز می‌فرماید: «به درستی که شما برای آخرت آفریده شده‌اید و دنیا برای شما آفریده شده است.» اگر زندگی انسان، محدود به این دنیا نیست و دنیا توفگگاهی برای حیات جاوید است، پس نه کاستی‌های آن آزاردهنده و غیر قابل تحمل است و نه برخورداری‌های آن فریبنده.

امام علی (علیه السلام) با بیانی دیگر در این باره می‌فرماید: «همانا دنیا منزلی است که هر لحظه از آن باید آماده کوچ باشی و جایگاه اقامت نیست. خوبی آن، اندک و بدی اش آماده است و حکومتش رو به نیستی می‌رود و آبادی اش ویران می‌شود.» دنیا را باید گذرگاه آخرت دانست، نه خانه زندگی و قرارگاه حیات. اگر به این واقعیت واقف شویم و آن را باور کنیم، کاستی‌ها و سختی‌های آن را تحمل خواهیم کرد؛ چون موقت و غیر اصیل است. آنچه تحمل‌ناپذیر است، کاستی‌های سرای جاوید و اصیل است. ناله و شکایت، مخصوص کسانی است که دنیا را منزل همیشگی خود و مال را ملک خود می‌دانند. تصویری غیر واقعی است. اما اگر انسان، خود را مهمان بداند، به دنیا دل نمی‌بندد و ناملایمات آن آسان می‌گردد. پیامبر (صلی الله علیه و اله) در این باره می‌فرماید: «در دنیا مهمان باشید... می‌سازید آنچه را که ساکن نمی‌شوید و جمع می‌کنید آنچه را که نمی‌خورید و آرزو می‌کنید آنچه را که به دست نمی‌آورید.» و در کلام دیگری می‌فرماید: «همانا مردم در دنیا مهمان‌اند و آنچه در دستشان است، امانت است و همانا مهمان، کوچ‌کننده است و امانت، بازگردانده می‌شود.» کسی که در دنیا، خود را «مهمان» و مال را «عاریه» بداند، نه نسبت به مدت اقامت در دنیا نالان می‌شود و نه نسبت به آنچه ندارد یا از دست داده، شکایت می‌کند.

ایده آل نگر انسان، مربوط به جایی است که وطن اصلی و اقامتگاه دائمی او باشد. ما از هر چیز نازیبا و ناخوشایندی ناراحت می‌شویم؛ اما اگر مربوط به محل اقامت ما نباشد، تحمل آن، چندان مشکل نخواهد بود. اگر کسی به مسافرتی برود که همراه با سختی‌ها و ناخوشایندی‌هایی باشد، آن‌ها را تحمل خواهد کرد؛ چون آن‌جا وطن او نیست. وقتی

تحمل ناملايمات ناممكن مى شود كه در اقامتگاه دائمي خود با سختي ها و ناملايمات روبه رو شويم. دنيايى كه در آن زندگى مى كنيم، چگونه جايى است: اقامتگاه يا توقفگاه؟ ما در اين دنيا چگونه ايم: ساكن يا غريب و رهگذر؟ دنيا خانه دائمي ما نيست و ما نيز ساكنان هميشگى آن نيستيم. اين، يكي از واقعيتهائى است. پيامبر خدا (صلى الله عليه و اله وسلم) در اين باره مى فرمايد: «در دنيا به گونه اى باش كه گويى ناآشنا يا رهگذر هستى و خودت را در زمره اهل قبور قرار ده.» اگر انسان، خود را در اين دنيا ناآشنا و رهگذرى بداند كه لحظاتهائى را در آن سپرى مى كند، سختي هائى آن را آزار دهنده نمى بيند. پس بيايم خودمان را رهگذر بدانيم تا راحت تر زندگى كنيم.

منبع: الگوى اسلامى شادكامى، دكتور عباس پسندیده، صص 233-236، مؤسسه علمى فرهنگى دار الحديث، قم، چاپ دوم، 1394